

Bâd-1 Heva

Dr. Hüseyin Özdeğer

Türk Dünyası Araştırmaları Dergisi
s.16, sf.88-92 Şubat 1982

BÂD-1 HEVA

22 OCAK

ML, II, s.43

BL, II, s. 1180

ABr. D, 162

TA, V, 134

نیکلسون، تهران ۱۳۶۳ش؛ نظامی، خسرو و شیرین، چاپ و خید دستگردی، تهران ۱۳۳۴ش؛ علی بن عثمان هجویری، کشف المحجوب، چاپ ژوکوفسکی، تهران ۱۳۵۸ش.
/نصرالله پورجوادی/

بادِ هوأ، در مالیه عثمانی، اصطلاحی عام برای درآمدهای نامستمر و اتفاقی از محل جرایم و عوارض و حق الثبتها و سایر منابع غیر معمول درآمد. این اصطلاح در «قانون»های قرن نهم نیامده است، ولی در «قانون نامه» گلبولی سال ۹۲۵ از جرایم و مالیات عروسی و عوارض دستگیری بردگان فراری و «انواع دیگر بادهوا» یاد شده است (← بارکان، ص ۲۳۶). اصطلاحاتی از این نوع در «قانون نامه»های آنکارا (سال ۹۲۹-هـ، ص ۳۴) و حمید (سال ۹۳۵-هـ، ص ۳۳) و آیدین (سال ۹۳۵-هـ، ص ۱۴) و ملطیه (سال ۹۳۷-هـ، ص ۱۱۰) و کولیهای روم ایلی (۹۳۷-هـ، ص ۲۴۸) نیز آمده است. در دو قانون نامه اخیر، بادهوا ضمیمه «سوم عرفیه» است. در قرنهای دهم و یازدهم و دوازدهم این اصطلاح را در کلیه کتب «قانون» و دفاتر سراسر قلمرو عثمانی می توان یافت. در تیمار*های رایگان («سر بست تیمار»)، بادهوا متعلق به تیماردار بود. در انواع دیگر تیمار، بادهوا میان تیماردار و «خاص*» تقسیم می شد یا، در اکثر موارد، تمامی آن به خاص تعلق می یافت که در این صورت یا به عنوان خاص شاهي نگهداری می شد یا به مثابه «خاص» به حاکم اعطا می گردید (← بیت المال*). این اصطلاح ممکن است، چنانکه اینالچق می گوید، با کلمه بیزانسی «اریکون»^۲، که خود مورد بحثهای بسیار بوده است، نسبت داشته باشد.

منابع: «قانون نامه آل عثمان»، در تاریخ عثمانی انجمنی مجموعه سی، ضمیمه، استانبول ۱۳۲۹، ص ۳۸-۳۹؛

Ömer Lütfi Barkan, *Osmanlı İmparatorluğunda Zirai Ekonominin Hukuki Ve Mali Esasları, I. Kanunlar*, İstanbul 1943; Halil İnalcık, *Süreti Defteri Sancak-i Arvanid*, Ankara 1954, xxvii-xxviii, xxxii-xxxiii; (در این کتاب اینالچق به قانون مشروعی درباره باد هوا در نسخه ای خطی محفوظ در کتابخانه انجمن تاریخ ترک، ش ۳۴، ص ۱۱۷ اشاره می کند).

/لويس (د. اسلام)/

بادِی، اسم فاعل از ریشه ثلاثی «ب د» که ماضی و مضارع آن (بَدَّ، یَبْدُ) در چند آیه قرآن (عنکبوت: ۲۰، سجده: ۷، اعراف: ۲۹، انبیاء: ۱۰۴، یونس: ۴، نمل: ۶۴،

این نکته را از تعریف او از الفاظ «باده» و «می» و «شراب» و «خمر» می توان دریافت. در تعریف باده می نویسد: «عشقی را گویند که هنوز اشتداد نیافته، و این مرتبه مبتدیان است» (ص ۱۷۵). این تعریف بر اساس تعالیم مشایخ خراسان و مطابق تعریف رشف اللاحاظ است. اما در تعریف «می» تأثیر تعالیم ابن عربی دیده می شود. پیروان ابن عربی در تعریف «شراب» و «خمر» و غیره عموماً از مفهوم تجلی استفاده می کردند و به همین سبب است که گاهی ترکیباتی چون «شراب تجلی» یا «باده تجلی» را به کار می بردند (محمد لاهیجی، ص ۶۰۸-۶۱۱). نویسنده مرآت عشاق نیز در تعریف «می» از همین مفهوم استفاده کرده است: «تجلیات الهی را گویند اعم از آنکه آتاری باشد یا افعالی یا صفاتی یا ذاتی، به قدر وسع مشرب» (ص ۲۳). و اما در خصوص «شراب» دو معنی ذکر کرده است، که یکی را از مکتب مشایخ خراسان گرفته و دیگری را از مکتب ابن عربی. می گوید وقتی که شعری عارف لفظ «شراب» را به کار می برند [آن را] بر ذوق اطلاق نمایند و گاهی دیگر بر مجلای تجلی ذاتی. آنگاه می افزاید که با توجه به همین تجلی ذاتی است که لفظ «شراب» را بر «آتش محبت و صفوت عشق عالم افزوز» (عشق کیهانی) هم اطلاق می کنند (همان کتاب، ص ۲۰۹-۲۱۰). همین روش را مؤلف در تعریف لفظ «خمر» به کار برده است و می گوید: «این لفظ را به غلبه عشق اطلاق نمایند و بر بادۀ تجلیات که مقارن انواع ملامت و توبیخ بود هم اطلاق کنند» (همان کتاب، ص ۱۹۴). تعریف نویسنده مرآت عشاق از «خمر» در واقع همان تعریف نویسنده رشف اللاحاظ از «شراب» است. این اختلاف در تعاریف الفاظ، و از جمله در تعریفات عرفانی «شراب» و «می» و «باده» و غیره، ناشی از این واقعیت است که این الفاظ اساساً متعلق به زبان و تخیل شاعرانه است و لذا معنای آنها به طور کلی سیال است.

منابع: حسین بن احمد الفتی، رشف اللاحاظ فی کشف الالفاظ، چاپ نجیب مایل هروی، تهران ۱۳۶۲ش؛ محمود بن عبدالکریم شیبستی، گلشن راز، همراه با شرح محمد لاهیجی، تهران ۱۳۳۷ش؛ ابراهیم بن بزرگمهر عراقی، دیوان عراقی، چاپ سعید نفیسی، تهران ۱۳۳۸ش؛ عبدالله بن محمد عین القضاة، نامه های عین القضاة همدانی، چاپ علی بنقی منزوی و عقیف عسیران، تهران ۱۳۴۸ش؛ همو، تمهیدات، چاپ عقیف عسیران، تهران ۱۳۴۲ش؛ احمد بن محمد غزالی، سوانح، چاپ نصرالله پورجوادی، تهران ۱۳۵۹ش؛ محمد بن محمد غزالی، کیمیای سعادت، چاپ حسین خدیوچ، تهران ۱۳۶۴ش؛ «مرآت عشاق» در یوگنی اوداردویچ برتلس، تصوف و ادبیات تصوف، ترجمه سیروس ایزدی، تهران ۱۳۵۶ش؛ مولوی، مثنوی معنوی، چاپ رینولد